

انقیاد و مقاومت در دباغ‌خانه، روابط قدرت، انضباط و مقاومت در داستان مدرسه‌ای هوشنگ مرادی کرمانی؛ لبخند انار

سودابه شکراله‌زاده^۱

چکیده

هدف این مقاله، بازنمایی روابط قدرت، شیوه‌های انضباطی و مقاومت در داستان مدرسه‌ای هوشنگ مرادی کرمانی، لبخند انار، از منظر فوکویی است. رویکرد این تحقیق، توصیفی - تفسیری و روش تجزیه و تحلیل داده‌ها، تحلیل مضمونی است. این تحقیق، بنابر تعریف هنری ریماک (۱۹۶۱) در حوزه ادبیات تطبیقی جای می‌گیرد؛ زیرا می‌خواهد روابط متقابل بین ادبیات و سایر حوزه‌های دانش، از جمله علوم اجتماعی را کاوش کند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد شخصیت‌های داستانی با تکنیک‌های انضباطی، مانند واریسی، مراقبت، مشاهده سلسله‌مراتبی، بهنجارسازی، درونی‌سازی و مستندسازی، به بدن‌هایی مطیع تبدیل می‌شوند که در خدمت سودمندی و بهره‌وری جامعه هستند. افزون‌بر تکنیک‌های اصلی انضباطی، خرده‌مجازات‌ها، مانند خرده‌مجازات‌های مربوط به زمان، فعالیت و سخن‌گفتن نیز به چشم می‌خورد. علاوه بر این، داستان، هم‌دستی خانواده با نهاد مدرسه را در شکل‌دهی به بدن‌های مطیع نشان می‌دهد. بازی‌گونگی و بازی‌گوشی و موانع موفقیت و انضباط است و از این رو سعی به زدودن آن‌ها می‌شود. نمادها و نام‌های خاص در جهت شعار انضباط محوری به کار رفته‌اند؛ اما لبخند انار به کلی تن به شکل دادن به بدن‌هایی مطیع نمی‌دهد؛ بلکه مقاومت مفهومی اساسی است؛ اما مفهوم مقاومت بازنمایی شده با مفهوم مقاومت در چهارچوب فوکویی متفاوت است. درحالی‌که فوکو مقاومت را در قالب ساختارهای موجود قدرت متصور است، مقاومت در اینجا از نوع واژگون‌کردن ساختار و سلسله‌مراتب قدرت میان کودک و بزرگ‌سال است.

واژه‌های کلیدی: رابطه قدرت، مرادی کرمانی، داستان مدرسه‌ای، میشل فوکو

۱. استادیار فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، گروه آموزش و پرورش، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
shokrollahzadeh.sue@atu.ac.ir